

مقایسه خودشیفتگی، بیگانگی و دل بستگی در زنان متقاضی طلاق و عادی

ام البنین سلیمانی*^۱

چکیده

مقدمه: خانواده مهم‌ترین واحد جامعه است. ازدواج به این دلیل ساختار اولیه را برای ایجاد رابطه خانوادگی و پرورش نسل آینده فراهم می‌کند، مهم‌ترین و اساسی‌ترین رابطه انسانی توصیف شده است. هدف از پژوهش حاضر مقایسه خودشیفتگی، بیگانگی و دل بستگی در زنان متقاضی طلاق و عادی بود.

روش پژوهش: روش تحقیق از نظر اهداف کاربردی و به لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع علی مقایسه ای بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی زنان متقاضی طلاق و عادی شهر قم تشکیل داد که از این بین با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند تعداد ۱۰۰ نفر انتخاب شدند. اطلاعات با استفاده از پرسشنامه های خودشیفتگی و روابط موضوعی جمع‌آوری گردید. داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد که بین خود شیفتگی، بیگانگی و دل بستگی در زنان متقاضی طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

نتیجه گیری: با توجه به شناسایی عوامل پیش بینی کننده طلاق و عدم سازگاری زناشویی، آموزش موارد مطروحه در این پژوهش به زوجین متقاضی طلاق می‌تواند گامی موثر در پیشگیری از شکل گیری ازدواج های ناموفق و به تبع آن خانواده های بدکار و آسیب های اجتماعی گردد، همچنین آموزش مهارت های ارتباطی به جوانان جهت جلوگیری از افتادن در دام وابستگی های عاطفی و جنسی در دوران آشنایی پیش از ازدواج از عوامل اساسی به شمار میرود.

کلمات کلیدی: بیگانگی، خانواده، خودشیفتگی، دل بستگی، عدم سازگاری، متقاضی طلاق

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

استناد: سلیمانی ام البنین. مقایسه خودشیفتگی، بیگانگی و دل بستگی در زنان متقاضی طلاق و عادی، خانواده و بهداشت، ۱۴۰۳؛ ۱۴(۳):

^۱ - (نویسنده مسئول)، کارشناسی ارشد روانشناسی مثبت، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

soleymani54.81@gmail.com tell: 09190251682



© حقوق برای مؤلف (آن) محفوظ است. این مقاله با دسترسی آزاد در خانواده و بهداشت تحت مجوز کرییتو کامنز <http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/> منتشر شده که طبق مفاد آن هرگونه استفاده غیر تجاری تنها در صورتی مجاز است که

به اثر اصلی به نحو مقتضی استناد و ارجاع داده شده باشد.

مقدمه:

خانواده، مهم‌ترین نهاد جامعه و شکل‌دهنده استعدادها و شخصیت آدمی است (۱). در سیستم خانواده عواملی از قبیل مطلوبیت، رضایت، خشنودی، کیفیت و کارکرد بهینه خانواده، عوامل بسیار مؤثری هستند که موجب شکوفایی، رشد و پیشرفت اعضای خانواده می‌گردند (۲). شیوهایی که زوجین بر سر اختلاف‌های خود به توافق می‌رسند و خود را با نیازهای یکدیگر جهت ایجاد نقش‌های مکمل تطبیق می‌کنند، می‌تواند پایداری زندگی زناشویی و انعطاف‌پذیری آن را در برابر شرایط زندگی پیش‌بینی کند (۳).

یکی از موضوعاتی که در چند سال اخیر ذهن اکثر اندیشمندان و حتی عموم را به خود مشغول کرده است مسئله طلاق است. در حال حاضر، این پدیده در ایران به شکل یک مسئله و معضل اجتماعی، مشکلات زیادی را برای افراد و خانواده‌های در معرض طلاق به وجود آورده است. حدود ۲۰ درصد از طلاق‌ها به علت نداشتن شناخت صحیح زوجین از یکدیگر است. پیشرفت‌های سریع فرهنگی، اجتماعی فن‌آوری و ارتباطی، علی‌رغم مزایای فراوان، مشکلات زیادی را برای انسان معاصر به وجود آورده است. موج فزاینده طلاق عاطفی، تعارضات بین فردی، روان رنجوری‌ها و تعارض‌های روحی-اجتماعی از واقعیت‌های انکارناپذیر جوامع بشر کنونی هستند (۴).

یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه که اغلب بیش از دیگران تحت تأثیر طلاق عاطفی و فشارهای محیطی و اجتماعی ناشی از آن قرار می‌گیرد، زنان می‌باشند (۵). در این میان، طلاق و تعارضات والدینی از اهمیت بیشتری برخوردار است. طلاق و تعارضات موجود در محیط خانواده باعث ایجاد مشکلات زیادی در اعضای آن می‌شود. بر هم خوردن روابط عاطفی و احساس ناامنی منتج از طلاق عاطفی و تعارضات زناشویی می‌تواند امنیت شخصی و همچنین، روابط زوجین را به خطر اندازد و منجر به طلاق گردد (۶).

به نظر می‌رسد زنان متقاضی طلاق و عادی در خودشیفتگی متفاوت هستند (۷). اختلال شخصیت خودشیفته در دسته B در DSM-5^۲ قرار دارد و اهمیت تشخیصی و درمانی ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است و دارای نرخ شیوع بالای ۱۷ درصد در جمعیت بالینی و بین صفر تا ۶/۲ درصد در جمعیت عمومی است (۸). NPD الگوی فراگیر بزرگ‌منشی (در عالم خیال یا رفتار)، نیاز به تحسین و فقدان همدلی است که از اوایل بزرگسالی شروع می‌شود و در زمینه‌های مختلف بروز پیدا می‌کند (۹). مفهوم‌سازی DSM-5 برای این اختلال در مدل جایگزین، شامل صفات ابعادی اصلی است که ارزیابی‌های ترکیبی از سطوح عملکرد مانند احساس هویت، نوسانات خود، تنظیم عزت‌نفس و ظرفیت همدردی را ارائه می‌کند. علائم همراه این اختلال از جمله احساس اهمیت شخصی بزرگ‌منشانه، اشتغال ذهنی با خیال‌پردازی‌های موفقیت، قدرت، اعتقاد به خاص بودن، نیازمند تمجید افراطی، احساس استحقاق، بهره‌کشی در روابط بین فردی، فقدان همدلی، احساس حسادت و رفتارهای خودخواهانه، دچار تغییراتی می‌شود و با کاهش رضایت و کیفیت زندگی، احتمال آسیب به خود و اقدام به خودکشی را افزایش می‌دهد (۱۰).

متغیر دیگری که می‌تواند در زنان متقاضی طلاق و عادی متفاوت باشد، از خود بیگانگی است (۱۱). از خود بیگانگی نوعی بیماری روانی است که موجب می‌شود انسان کیفیات و حالات دیگری را به جای واقعیت وجودی خودش بنشانند (۱۲). افراد از خود بیگانه از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند و نمی‌خواهند هدایت و اراده‌ی خویش را در دست داشته باشند. آنان سعی دارند از آزادی در تفکر یا عدم تفکر، اقدام به عمل یا فرار از آن، بگریزند و آن‌ها را اموری تحمیلی می‌دانند (۱۳). از خود بیگانگی موجب پاسخ‌های روانزاد نامساعد به ناملایمات خاص یا گوناگون است و افراد مبتلا به این اختلال در رویارویی با حوادث و اوضاع از تلاش و یکپارچه کردن سریع اطلاعات ذهنی و هیجانی خود ناتوان هستند. این افراد در روابط بین فردی خود نیز شدیداً احساس ناتوانی شدید می‌کنند (۱۴).

^۲Diagnosis and Statistical manual of Mental disorders

در جامعه معاصر زوج‌ها مشکلات شدید و فراگیری را در هنگام برقراری و حفظ رابطه عاشقانه تجربه می‌کنند. در واقع مشکل رضایت زناشویی و عدم ثبات در ازدواج بیش از هر مقوله روانشناسی دیگر سبب ارجاع جهت مراقبت‌های بهداشتی روانی می‌گردد. سازگاری زناشویی و پایداری در ازدواج بسیاری از مشکلات روانی، عاطفی و اجتماعی خانواده‌ها و همچنین در کل جامعه را کاهش می‌یابد و همچنین ارتقاء سطح رضایت و سازگاری زناشویی و به دنبال آن پایداری در ازدواج موجب می‌شود افراد جامعه با آرامش خاطر بیشتر به رشد و تعالی و خدمات اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی بپردازند و خانواده‌ها نیز از این پیشرفت سود خواهند برد. پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ به این سوال است که آیا خودشیفتگی، بیگانگی و دل‌بستگی در زنان متقاضی طلاق و عادی تفاوت وجود دارد.

روش پژوهش:

این تحقیق از نظر کنترل متغیرها، تحقیقی پس‌رویدادی است، چراکه روابط بین متغیرها دست‌کاری نشده، به این معنا که محقق متغیرهای مورد مطالعه را شخصاً دست‌کاری نمی‌کند، بلکه آن‌ها را به‌گونه‌ای که در گذشته اتفاق افتاده است مورد بررسی قرار می‌دهد. کلیه زنان متقاضی طلاق و عادی شهر قم بود. تعداد ۵۰ زن متقاضی طلاق با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شد؛ در توضیح اینکه چرا از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است می‌توان گفت: به جای به دست آوردن اطلاعات از کسانی که به راحتی در دسترس قرار می‌گیرند، گاهی اوقات ممکن است ضرورت یابد که اطلاعاتی از افراد یا گروه‌های خاصی به دست آوریم، یعنی انواع خاصی از افراد که قادر به ارائه اطلاعات مورد نظر ما هستند، زیرا آنها تنها افرادی‌اند که می‌توانند چنین اطلاعاتی ارائه دهند یا با برخی از معیارهایی که محقق تدوین کرده مطابقت دارند (۱۵). بنابراین با توجه به این که در پژوهش حاضر پژوهشگر به دنبال زنان متقاضی طلاق و عادی بود؛ بنابراین از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. همچنین تعداد ۵۰ زن عادی نیز با توجه به قانون حداقل حجم نمونه در تحقیقات علی‌مقایسه‌ای که برای هر گروه ۱۵ نفر ذکر شده است؛ برای افزایش اعتبار تحقیق ۵۰ نفر انتخاب شد. در این پژوهش از سه پرسشنامه استاندارد استفاده شد:

خودشیفتگی: این پرسشنامه نسخه‌ی کوتاه شده‌ی پرسشنامه ۴۰ ماده‌ای شخصیت خودشیفته است که به‌منظور ویژگی‌های مرتبط با شخصیت خودشیفته توسط آمز و همکاران در سال (۲۰۰۶) ساخته شده است. این پرسشنامه فاقد زیرمقیاس بوده و خودشیفتگی را بر اساس رویکرد تک‌بعدی ارزیابی می‌کند. NPI-16 متشکل از جفت گویه‌هایی است که پاسخ‌دهنده باید یکی از آن‌ها را انتخاب نماید. ضرایب پایایی باز آزمایی گزارش شده توسط سازندگان اصلی آزمون ۰/۸۵ در طول ۵ هفته است. روایی همگرا از طریق محاسبه ضریب همبستگی بین نمرات NPI-16 و نمرات حاصل از شاخص‌های برون‌گرایی و گشودگی نسبت به تجارب جدید مقیاس ۵ عاملی بزرگ شخصیت (BFI) انجام شده است. این ضرایب برای شاخص‌های برون‌گرایی ۰/۳۲ و برای گشودگی نسبت به تجارب جدید ۰/۴۱ محاسبه شده است. محمد زاده (۱۳۸۸) این پرسشنامه را در یک مطالعه زمینه‌یابی مقطعی، ۳۴۲ دانشجو در سال ۱۳۸۷ مورد آزمون قرار داد. ضریب همبستگی بین نمرات پرسشنامه شخصیت خودشیفته NPI-16 و مقیاس خودشیفتگی MCMI-II برابر ۰/۷۷ و معنی‌دار بود. ضریب پایایی باز آزمایی، ضریب همبستگی در تعیین پایایی تنصیفی و ضریب آلفای کرونباخ در سنجش همسانی درونی به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۷۴ و ۰/۷۹ محاسبه شده است (۱۶).

پرسشنامه روابط موضوعی: برای سنجش مقیاس دل‌بستگی و از خود بیگانگی در پژوهش حاضر از پرسشنامه روابط موضوعی بل استفاده شد. پرسشنامه روابط موضوعی بل و همکاران (۱۹۸۵) بخشی از پرسشنامه ۹۰ گزینه‌ای روابط موضوعی و واقعیت‌سنجی بل است. این پرسشنامه هم برای جمعیت بالینی و غیر بالینی استاندارد شده است و در پژوهش‌های بسیاری در حوزه روابط بین فردی و در تشخیص و پیش‌بینی آسیب‌های روانی به‌کاررفته است. این پرسشنامه دارای ۴۵ ماده است که به‌صورت صحیح و غلط به آن پاسخ

مقایسه خودشیفتگی، بیگانگی و دل‌بستگی در زنان متقاضی طلاق و عادی

داده می‌شود و از طریق چهار خرده مقیاس ارزیابی دقیق و معتبری از روابط موضوعی ارائه می‌دهد که این خرده مقیاس‌ها عبارت‌اند از: بیگانگی (۱۳، ۳۲، ۳۳، ۳۸، ۳۹ و ۴۴)، دل‌بستگی ناایمن (۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۴، ۲۷، ۲۹، ۳۱، ۳۶، ۴۱، ۴۲ و ۴۵)، خود میان بینی (۳، ۴، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۲۰، ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۳، ۴۴ و ۴۵)، بی‌کفایتی اجتماعی (۲۱، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۳، ۴۴ و ۴۵). نحوه پاسخگویی به پرسشنامه به این نحوه است که بر مبنای راهنمای ارائه‌شده آزمودنی برای هر یک از سؤالات پاسخ صحیح یا غلط (۱ و ۰) را انتخاب می‌کند، برحسب کلید پرسشنامه، گزینه صحیح نمره یک می‌گیرد و برای برخی دیگر گزینه غلط نمره یک می‌گیرد، جمع نمرات سؤالات مربوط به هر خرده مقیاس نمره رد را در هر یک از آن‌ها مشخص می‌سازد. بل و همکاران (۱۹۸۵) درباره پایایی و روایی این پرسشنامه گزارش نمودند که این ابزار از این جهت که قادر به تفکیک جمعیت بالینی است، از درجه بالایی از اعتبار تفکیکی برخوردار است و همچنین از لحاظ همبستگی بالای آن با دیگر ابزارهای سنجش آسیب‌پذیری روانی، اعتبار هم‌زمان قابل قبولی را برای آن برآورد نموده‌اند. در پژوهشی دیگر با استفاده از این ابزار، اختلال شخصیت مرزی را از نظر الگوهای مخرب روابط موضوعی، از دیگر گروه‌ها که شامل بیماران مبتلا به اختلالات خلقی و اسکیزوفرنیا بود، متمایز کردند. بررسی مقدماتی روایی و پایایی این پرسشنامه توسط هادی نژاد و همکاران (۳۵) صورت گرفته است. آن‌ها ضریب آلفای کرونباخ را برای بی‌کفایتی اجتماعی، خودمحوری، دل‌بستگی ناایمن و بیگانگی به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۷۴، ۰/۷۴ و ۰/۸۵ گزارش کردند. همچنین همبستگی بین سیاهه ۹۰ سؤالی علائم فرم بازنگری شده (SCL-90-R) و خرده مقیاس‌های این پرسشنامه بین ۰/۳۱ تا ۰/۶۸ بود (۱۷).

یافته‌ها:

میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای خودشیفتگی، بیگانگی و دل‌بستگی در جدول ۱ قابل مشاهده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی آزمودنی‌ها در خودشیفتگی

گروه	عادی		متقاضی طلاق	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
خودشیفتگی	۱۱/۷	۱/۶۸	۱۴/۷	۲/۵۲
بیگانگی	۲/۳۶	۰/۷۲۱	۵/۱۲	۰/۷۱
دل‌بستگی	۶/۳۲	۰/۴۳۲	۱۰/۱	۰/۸۴۱

همانگونه که مشاهده می‌شود متغیرهای خودشیفتگی، بیگانگی و دل‌بستگی گروه زنان عادی کمتر از گروه زنان متقاضی طلاق است.

جدول ۲. آزمون اسمیرنوف - کالموگراف جهت بررسی نرمالیتی متغیرها

Sig.	کالموگراف - اسمیرنوف	گروه	زمان و متغیر
۰/۲	۰/۰۹۴	زنان عادی	

۰/۱۱۲	۰/۱۲۶	زنان متقاضی طلاق	خودشیفتگی
۰/۰۹۷	۰/۱۷۸	زنان عادی	
۰/۰۶۴	۰/۱۳۵	زنان متقاضی طلاق	بیگانگی
۰/۲	۰/۱۴	زنان عادی	دل بستگی
۰/۲	۰/۰۹۶	زنان متقاضی طلاق	

نتیجه حاصل از جدول ۲ نشان می‌دهد سطح معنی‌داری در همه متغیرهای پژوهش بزرگتر از ۰/۰۵ است، یعنی متغیرها دارای توزیع نرمال می‌باشند. با توجه به ماهیت پژوهش، فرضیه پژوهش با استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیره (Manova) مورد آزمون قرار گرفت. اما ابتدا فرض‌های زیر بنایی استفاده از این آزمون موردبررسی قرار می‌گیرد:

۱. همگنی ماتریس کوواریانس:

همگنی ماتریس کوواریانس با استفاده از M باکس بررسی شد. این آزمون نشان داد که مفروضه همگنی ماتریس کوواریانس برقرار می‌باشد ($P= ۰/۰۰۰$, $df2=۳۱۵۵۰$, $df1=۴۵$, $F=۲/۵۳$, $Box's M=۱۲۶/۴۵$).

۲. همگنی واریانس گروه‌ها

همگنی واریانس‌ها نیز با استفاده از آزمون لوین موردبررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۳. خلاصه آزمون لوین جهت بررسی همگنی واریانس گروه‌ها در مؤلفه‌های متغیرهای پژوهش

مؤلفه‌ها	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معنی‌داری
خودشیفتگی	۱/۹۴	۱	۹۸	۰/۱۶۷
بیگانگی	۲/۳۳	۱	۹۸	۰/۱۲۹
دل بستگی	۶/۶۴	۱	۹۸	۰/۰۱۱

طبق جدول ۳ سطح معنی‌داری آزمون F در متغیر «دل بستگی» کمتر از ۰/۰۵ است؛ یعنی همگنی واریانس گروه‌ها در این مؤلفه برقرار نیست اما با توجه به برابری تعداد گروه‌ها می‌توان از این فرض چشم‌پوشی کرد.

جدول ۴. خلاصه آزمون Manova جهت بررسی تفاوت دو گروه در متغیرهای پژوهش

اثرات	لانداى ويلكز	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معنی‌داری	اندازه اثر
گروه	۰/۱۰۰	۸۶/۹	۹	۹۰	۰/۰۰۰	۰/۹۰۰

چنانکه اطلاعات جدول بالا نشان می‌دهد، شاخص لانداى ويلكز در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. ($F=۸۶/۹$ ، $Wilks Lambda = ۰/۱۰۰$).

($\eta^2 = ۰/۹۰۰$, $P= ۰/۰۰۰$). به عبارت دیگر می‌توان ادعا کرد که دست‌کم در یکی از مؤلفه‌های «متغیرهای پژوهش» بین دو گروه (زنان متقاضی طلاق و عادی) تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با توجه به معنی‌دار بودن اثر گروه، جهت مشخص شدن اینکه تفاوت‌ها مربوط به کدام یک از مؤلفه‌های «متغیرهای پژوهش» است، از آزمون تک متغیره به شیوه بونفرونی استفاده گردید

جدول ۵. آزمون واریانس یک‌راهه پس از Manova برای مقایسه مؤلفه‌های پژوهش

مقایسه خودشیفتگی، بیگانگی و دل بستگی در زنان متقاضی طلاق و عادی

منبع تغییر	متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری	اندازه اثر
	خودشیفتگی	۲۹۵/۸	۱	۲۹۵/۸	۹۱/۰۵	۰/۰۰۰	۰/۴۸۲
گروه	بیگانگی	۳۸/۴	۱	۳۸/۴	۴/۱۲	۰/۰۴۵	۰/۰۴۰
	دل بستگی	۶۳۰/۰۱	۱	۶۳۰/۰۱	۳۳/۳	۰/۰۰۰	۰/۲۵۴
	خودشیفتگی	۳۱۸/۴	۹۸	۳/۲۴			
خطا	بیگانگی	۹۱۳/۵	۹۸	۹/۳۲			
	دل بستگی	۱۸۵۰/۹	۹۸	۱۸/۸			
	خودشیفتگی	۲۵۴۵۲	۱۰۰				
کل	بیگانگی	۲۳۳۹۲	۱۰۰				
	دل بستگی	۳۳۱۴۱	۱۰۰				

با توجه جدول ۵ متغیرهای «خودشیفتگی، بیگانگی و دل بستگی» تفاوت معناداری بین گروه‌ها، وجود دارد. به طوری که اطلاعات جدول ۱ نیز نشان می‌دهد، میانگین همه متغیرهای در دو گروه با میزان قابل توجهی از یکدیگر اختلاف دارند؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که زنان دو گروه در متغیرها با یکدیگر تفاوت دارند (تائید فرضیه پژوهش). اندازه اثر نیز حاکی از آن است که حدود ۴۸/۲ درصد از تغییرات «خودشیفتگی»، ۴ درصد از «بیگانگی»، ۲۵/۴ درصد از تغییرات متغیرهای پژوهش تحت تأثیر «گروه» است.

بحث و نتیجه‌گیری:

نتیجه حاصل از آزمون فرضیه فرعی اول نشان داد که خودشیفتگی بر تعارضات زناشویی اثر مستقیم دارد. نتیجه حاصل با نتایج پژوهشگرانی چون شفیعی و همکاران (۱۸)، ابراهیمی فر و همکاران (۱۹)، هوانگ و همکاران (۲۰)، اسپرین و همکاران (۲۱)، فینیچام و همکاران (۲۲) و لاونر و همکاران (۲۳) همسو است. در تبیین یافته حاضر می‌توان گفت: افراد خودشیفته به خاطر داشتن توقعات محق بودن پنهانشان، احساس شرم می‌کنند و احتمالاً کمتر به بیان خود می‌پردازند و کمتر می‌خواهند که نیازهایشان آشکار شود. آن‌ها کمتر به استفاده از راهبردهای خود تقویتی دهی آشکار برای حمایت از حرمت خود شکننده‌شان مجهزند؛ بنابراین، وقتی نیازهایشان دیده نمی‌شوند تمایل دارند که توقعات محق بودنشان را انکار کنند. کناره‌گیری از این توقعات منجر به درآمیختگی خشم و طغیان‌های خصومت وابسته به موقعیت می‌شود (۲۴).

افراد خودشیفته به‌عنوان افرادی با ناستواری هیجانی توصیف می‌شوند؛ زیرا آن‌ها بین شرم، افسردگی و خشم در پاسخ به ناامیدی‌ها و تهدیدهای حرمت خود در نوسان‌اند. از آنجاکه قادر نیستند راهبردهای خود تقویت دهی را به کار برند، برای مدیریت حرمت خود به دیگران متکی هستند (۲۵).

ناپایداری هیجانی، چنین افرادی را به استفاده از راهبردهای خود تقویت دهی در جهت تعدیل حرمت خود به‌منظور پر کردن تخلیلات بزرگ‌منشی به‌صورت مستقیم سوق می‌دهد. برای مثال خودشیفته‌های آسیب‌پذیر، اغلب از نظر اجتماعی کسانی را انتخاب می‌کنند که استعداد و توانایی کمتری در مقایسه با آن‌ها دارند تا بتوانند خیال قهرمان بودن از نظر آن‌ها را در سر پروراندند. همچنین این افراد اغلب به ایثار روی می‌آورند و از رفتارهای خودآزار گرایانه یا شهادت برای افزایش حرمت خود استفاده کنند درواقع کوپر (۱۹۸۸) بر جنبه‌های خودآزار گرایانه خودشیفته تأکید و حتی پیشنهاد می‌کند که استفاده از اصطلاح خودشیفته - خودآزار گر، مناسب‌تر است (۲۰).

همچنین می‌توان گفت: این افراد معمولاً از روابط صمیمانه اجتناب می‌کنند و در صورتی که در رابطه با فردی وارد شوند در مورد نیازها و احساسات خود چیزی به طرف مقابل نمی‌گویند و به هنگام برآورده نشدن آن‌ها احساس ناامیدی می‌کنند، هرگز به گونه‌ای رفتار نمی‌کنند تا همسرشان آن‌ها را مورد حمایت و راهنمایی قرار دهد، احساس محرومیت می‌کنند اما چیزی نمی‌گویند درحالی که احساس ناخوشایندی دارند، طلبکارانه و عصبانی می‌شوند ولی افراد غیرقابل دسترس هستند و از دیگران فاصله می‌گیرند مخصوصاً فاصله عاطفی و از برقراری روابط صمیمانه اجتناب می‌کنند، تمامی این ویژگی‌های آن‌ها را به سمت گرایش به طلاق سوق می‌دهد (۲۵). خودشیفتگی یکی از مهم‌ترین پیش‌بین‌های نارضایتی از زندگی است. حضور خودشیفتگی ناسالم ممکن است بین افرادی که از زندگی‌شان راضی هستند و آن‌هایی که از زندگی رضایت کمی دارند تمایز ایجاد کند. وجود دیدگاه‌های بدبینانه نسبت به زندگی، نظیر دیگران با ما همدلی نخواهند داشت و ما را درک نمی‌کنند، یا آن‌ها به موقع نیازهای ما را برآورده نخواهند کرد، نزدیکان ما از ما حمایت عاطفی نمی‌کنند، یا عقیده به اینکه دیگران ما را آزار می‌دهند و به ما دروغ می‌گویند و یا احساس اینکه من شخصی شکست‌خورده‌ام و در هر زمینه‌ای شکست خواهم خورد، همگی موجب فراخوانی هیجانات منفی شده و به کاهش توان مقابل شخص با مشکلات زندگی منجر می‌شود. بروز چنین حالتی در نهایت کاهش رضایت از زندگی و به دنبال خود دل‌زدگی از زندگی را در فرد را به دنبال خواهد داشت. این ویژگی شخصیتی موجب سوگیری در تغییر رویدادها می‌شوند، این سوگیری در آسیب‌شناسی روانی به صورت نگرش‌های تحریف‌شده، فرض‌های نادرست، هدف و چشم‌داشت‌های غیرواقع‌بینانه در همسران پدید می‌آیند و این سوءبرداشت بر ادراک‌ها و ارزیابی‌های بعدی تأثیر می‌گذارد. از آنجاکه خودشیفتگی ناسالم، ناکارآمدند، ناخشنودی در روابط را در پی دارند و زمینه را برای تعارضات زناشویی فراهم می‌کنند (۲۳). همچنین می‌توان گفت: فردی که خودشیفتگی بالایی دارد معتقد است که نسبت به دیگران یک سر و گردن بالاتر است، حقوق ویژه‌ای برای خودش قائل است و تعهدی نسبت به رعایت اصول روابط متقابل که راهنمای تعاملات اجتماعی بهنجار هستند، ندارد. مسلماً چنین افرادی این حق و مشروعیت را قائل هستند که در صورت بی‌تفاوتی همسر یا رسیدن به این باور که ازدواج اشتباه است فرد به سمت گرایش به طلاق سوق پیدا می‌کند؛ و این جزء دلایل منطقی و معقول برای آن‌ها شمرده می‌شود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد بین بیگانگی در زنان متقاضی طلاق و عادی متفاوت سنتی است. در تبیین یافته حاضر می‌توان گفت: مفهوم از خودبیگانگی یعنی حالتی که در آن فرد خود را در کارش شکوفا نمی‌سازد، بلکه خود را نفی می‌کند و به جای آنکه احساس خوشبختی کند و توان‌های فکری و جسمی خود را آزادانه گسترش دهد؛ از نظر بدنی تحلیل می‌رود و به لحاظ فکری سرگردان می‌شود (۲۶).

محدودیت پژوهش: بدون شک هر پژوهشی با محدودیت‌هایی روبرو است که گریز از آن‌ها تقریباً غیرممکن است. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به محدود بودن جامعه آماری پژوهش به گروه خاصی از جامعه یعنی زوجین متقاضی طلاق، جمع‌آوری اطلاعات تنها از طریق پرسشنامه و بعضی عوامل و متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و ... که در اختیار پژوهشگر نبود اشاره نمود.

کاربرد پژوهش: در راستای محدودیت‌های پژوهش پیشنهاد می‌گردد که در پژوهش‌های بعدی به بررسی این موضوع در دیگر جامعه‌های آماری نیز پرداخته شود و نیز از سایر ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات نظیر مصاحبه نیز استفاده گردد. همچنین آموزش مهارت‌های ارتباطی به جوانان جهت جلوگیری از افتادن در دام وابستگی‌های عاطفی و جنسی در دوران آشنایی پیش از ازدواج از عوامل اساسی به شمار می‌رود.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش موازین اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد. با توجه به شرایط و زمان تکمیل پرسشنامه‌ها ضمن تأکید به تکمیل تمامی سوال‌ها، شرکت‌کنندگان در مورد خروج از پژوهش مختار بودند.

تضاد منافع: بدینوسیله نویسندگان اعلام می‌کنند که این اثر حاصل یک پژوهش مستقل بوده و هیچگونه تضاد منافی با سازمان‌ها و اشخاص دیگری ندارد.

تقدیر و تشکر: نویسندگان مقاله از تمام مشارکت‌کنندگان در پژوهش، تقدیر و تشکر به عمل می‌آورند.

References

1. Parker G., Durante K.M., Hill S.E., Haselton M.G. Why women choose divorce: An evolutionary perspective. *Current Opinion in Psychology*, 2022; 43: 300-306.
2. Nurmawati N., Hasan F. The Relationship of Parents' Divorce and Self-Acceptance of Students of High School, Tegalwaru District, Karawang Regency Class 12, Force of 2022. *Budapest International Research and Critics Institute (BIRCI-Journal): Humanities and Social Sciences*, 2022; 5(2): 10434-10443.
3. Ramos A., Moors A.C., Dours N.O., Jonathan N. Surface and complex representation of diverse intimate relationships: insights from a content analysis of marriage and family therapy resources. *Sexuality & Culture*, 2022: 1-21.
4. Anghel T.C. Emotional intelligence and marital satisfaction. *Journal of Experiential Psychotherapy*, 2016; 19(3): 14-19.
5. Domar A.D., Clapp D., Slawsby E., Kessel B., Orav J., Freizinger M. The impact of group psychological interventions on distress in infertile women. *Health Psychology*, 2000; 19(6): 568.
6. He Q., Zhong M., Tong W., Lan J., Li X., Ju X., Fang X. Forgiveness, marital quality, and marital stability in the early years of Chinese marriage: An actor-partner interdependence mediation model. *Frontiers in Psychology*, 2018: 1520.
7. Lavner J.A., Lamkin J., Miller J.D., Campbell W.K., Karney, B.R. Narcissism and Newlywed Marriage: Partner Characteristics and Marital Trajectories. *Personal Disord*, 2017; 7(2): 169-179.
8. Ronningstam E. Pathological narcissism and narcissistic personality disorder: Recent research and clinical implications. *Current Behavioral Neuroscience Reports*, 2016; 3(1): 34-42.
9. Caligor E., Clarkin J.F., Yeomans F.E. Chapter 10: Transference-focused psychotherapy for borderline and narcissistic personality disorders. *Contemporary Psychodynamic Psychotherapy*, 2019; 12(5):149-161.
10. Miller J.D., Widiger T.A., Campbell, W.K. Narcissistic personality disorder and the DSM-V. *J Abnorm Psychol*, 2020; 119(4): 640-649.
11. Mendes J.A., Maluschke J.S. Destructive Divorce in the Family Life Cycle and its Implications: Criticisms of Parental Alienation. *Psicologia: Teoria e Pesquisa*, 2018; 33: 1-8.
12. Vess M., Brooker R.J., Schlegel R.J., Hicks J.A. Daily mental lapses and the subjective experience of true self-alienation. *Journal of Research in Personality*, 2019; 78: 148-152.
13. Frouten Jahormi, Sohba. Investigating the relationship between life expectancy and feelings of alienation from the addicts' marital adjustment upon entering the camp. Master's thesis. Advisory group. Faculty of Education and Psychology. Islamic Azad University Marodasht

branch, 2016

14. Tome G., Matos M., Camacho I., Simoes C. Alienation and Well-Being in Adolescents. Social Isolation Is a Risk? Human Journals, 2013; 5(1): 1-15.
15. Ranjbar H, Haghdoost AA, Salsali M, KHoshdel A, Soleimani MA, Bahrami N. sampling in qualitative research: A guide for beginning. Annals of military and health sciences research [Internet]. 2012;10(3) (Serial number39):238-250.
16. Mohammadzade Nodehi Z. Comparison between love, forgiveness and differentiation in women with marital conflict and women without marital conflict. Payam Noor University, Mazandaran Province, Payam Noor Center, Ramsar ,2018.
17. Einy S, narimani M, atadokht A, basharpoor S, Sadeghi Movahhed F. Effectiveness of cognitive –analytical therapy on ego-strength and object relations of persons with borderline personality disorder. Studies in Medical Sciences 2018; 29 (1) :1-11. <http://umj.umsu.ac.ir/article-1-4286-fa.html>.
18. Ebrahimi Far, Mozghan; Nameni, Ibrahim. Investigating the role of primary thematic relationships and emotional dyslexia in predicting marital intimacy. The second international conference on new researches in management, economics and humanities, 2014.
19. Huang C.Y., Sirikantraporn S., Aboock N., Cobb J.M.T. Parental Attachment, Adult-Child Romantic Attachment, and Marital Satisfaction: An Examination of Cultural Context in Taiwanese and Thai Heterosexual Couples. International Journal of Environmental Research and Public Health, 2020; 17: 1-13.
20. Scheeren P., De Apellaniz I., Wagner A. Marital Infidelity: The Experience of Men and Women. Trends in Psychology, 2018; 26(1): 371- 385
21. Fincham F.D., May R.W. Infidelity in romantic relationships. Current Opinion in Psychology, 2017; 13: 70–74
22. Gabbard G.O. Two subtypes of narcissistic personality disorder. Bulletin of the Menninger Clinic, 2018; 53: 527-532
23. Klein V., Reininger K.M., Briken P., Turner D. Sexual narcissism and its association with sexual and well-being outcomes. Personality and Individual Differences, 2020; 15(21): 557- 567.
24. Levi E., Bachar E. The moderating role of narcissism on the relationship between posttraumatic growth and PTSD symptoms. Personality and Individual Differences, 2019; 13(8): 292- 297.
25. SHafiee Z., Ghamarani A. The Role of Dark Personality and Flourishing in Couples Burn Out. Quarterly Journal of Woman and Society, 2017; 8(29): 77-94.
26. Diehl A.B.R.P., Euzebio L.D.C., Mosmann C.P. Perfectionist personality and marital relationship: A systematic review. Contextos Clínicos, 2021; 14(1): 186-203.